
کتابخانه مجازی
افغانستان
آیین باران خواهی
در هزارستان


بسم الله الرحمن الرحیم

آیین های باران خواهی در هزارستان

نویسنده:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر چاپی:

دکتر حفیظ الله شریعتی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آیین های باران خواهی در هزارستان

مشخصات کتاب

سرشناسه:کتابخانه مجازی افغانستان ،۱۳۹۲
عنوان و نام پدیدآور:آیین های باران خواهی در هزارستان/ دکتر حفیظ الله شریعتی.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: فرهنگ

آیین های باران خواهی در هزارستان

کشاورزی و دامداری در بیشتر مناطق هزارستان اساس زندگی معیشتی مردم را تشکیل می دهند. و آب، به عنوان محور تولید در این مناطق، نقش حیاتی دارد. اساس معیشت و کشاورزی در هزارستان بر پایه آب است، بنابراین کم و یا زیاد بودن باران و آب مشکلاتی را ایجاد می کند. هزاره ها وقتی دچار کمبود آب بشوند، مراسم خاصی را به جای می آورند تا خداوند دعای آن ها را مستجاب کرده و باران بفرستد. آیین های طلب باران از جمله آیین های محلی بسیاری از مناطق کم آب هزارستان است. در این سرزمین اگر بارش باران با تأخیر روبه رو شود، مردم دست به دعا برمی دارند و آیین ها و مناسکی را برای باریدن و تسخیر این عنصر طبیعی انجام می دهند.

مراسم دعای باران خواهی

بی بارانی در فصل بارانی به ویژه در بهار و زمستان برای روستائیان هزاره، بی آبی را در سال آینده به دنبال دارد. مردم هزاره نیامدن باران را قهر آسمان، خشیم(قهر) باران و بلای زمینی و آسمانی می پندارند. جلوه ی این مصیبت را در سال که می آید می توان دید. دهقانان هزاره همیشه چشم به آسمان دارند که کی باران می بارد.
هزاره ها گندم را بیشتر به صورت فصلی(آبی) و کمی هم بخس (دیم) کشت می کنند. پیداست که اگر سالی باران نبارد یا کم ببارد چه سرنوشتی در انتظار آن هاست. در هنگام بی بارانی هر گروه از مردم به طرزی خاص دعا می کنند و از درگاه خداوند می خواهند که کاری کند تا باران ببارد.

نماز باران خواهی

یکی از مراسم رایج به هنگام خشک سالی در هزارستان نماز باران خواهی است. به این منظور ابتدا از اهالی محل، مواد اولیه برای پخت برنج و یا دلده مورد نظر آن ها، جمع آوری می شود و در روز معین اهالی روستا یا شهر در مکان فراخی مانند: کوه، دشت و بیابان جمع می شوند مراسم نماز، دعا و روضه خوانی انجام می دهند و از خداوند طلب باران می کنند. در وقت نماز کودکان را از مادر جدا می سازند و بره ها را از مادر شان دور نگه می دارند تا خداوند مهربان بر آن ها رحم کند و باران رحمتش را بر آنان ارزانی دارد. این مراسم پس از صرف غذای نذری به پایان می رسد.

مراسم باران خواهی

هزارستان به عنوان سرزمین کم بارش، هیچگاه از گزند کم آبی در امان نبوده و حفر کاریز و ساخت آب انبارها، برای مبارزه با اهریمن خشکسالی که هزاره ها معتقد اند از دشمنان دیرپای هزارستان است، گواه بر این ادعا است. از این رو بر اساس اعتقادات و باورهای مذهبی خودشان، آیین های زیبای را به فراخور فرهنگ زمانه ی خود به وجود آورده اند که مراسم باران خواهی یکی از آن ها است.

از آن رو که هزارستان از دیر باز کم آب بوده و کم آبی، تقدس آب و باران را برای اهالی آن بیشتر کرده است، کم آبی بهانه ی خوبی بوده برای هزاره های خوش ذوق، تا ضمن بر گزاری آیین های رنگارنگ نمایشی و هنر محلی از خداوند بخواهند بر آنان باران رحمتش را ارزانی دارد.

بنابراین هزارستان منطقه ای کم آب و خشک است. مراسم طلب باران در بسیاری از روستاهای هزارستان آداب مشترکی دارد. بدین گونه که زنان و دختران - با استفاده از دو تکه چوب و مقداری پارچه — دامن آسمان را آتش می زنند و درخواست باران می کنند. بدین مناسبت ملای منطقه از مردم روستا می خواهد برخی برای نماز طلب باران و برخی دیگر برای پختن غذای نذری به مسجد یا دامن طبیعت بیایند. در بیشتر مراسم طلب باران، مردم با ملای ده نماز باران را به صورت جماعت بر بالای کوه یا تپه ای می خوانند و مردم هزاره معتقد اند که بعد از خواندن نماز و مراسم طلب باران، حتما باران می بارید.

باری، در هزارستان هنگامی که باران دیر کرده باشد، همه کم و بیش از باران صحبت می کنند تا سرانجام تصمیم می گیرند که مراسم باران خواهی اجرا کنند. بچه ای را کلاه کاغذی به سرش می گذارند بر چوبی سوار می کنند و چوبی هم به دستش می دهند و از وی می خواهند که روی بلندی برود و فریاد بکشد و بگوید:

او الله! بارو بده.

باروی سیل آسو بده.

درختو تشنه منده،

گوسپندو گشته منده.

او خدا! بارو بده.

سخت نده، آسو بده،

آلاف ده کو نمنده.

ده زمی جاسو نمنده.

او خدا! بارو بده

او خدا! بارو بده.

بعد کودک تکه پاره ای از نان پتیر را خرد می کند و روی سنگ می گذارد که پرنده ها و خزنده ها بخورد. وقتی بچه از روی بلندی پایین شد، نخست می رود روی چشمه، کمی آب می خورد و مقدار آب روی علف ها می پاشاند و می گوید: خدا! مردا را بیامرزد. بعد وارد اولین خانه می شود و شروع می کند پیش یا حیاط خانه را جارو زدن، صاحب خانه با دیدن او مقدار آرد به او می دهد. کودک آرد را در خانه می آورد و اهالی خانه از آن، نان نذری می پزند و صبح زود روی سنگ وسط روستا می گذارند که پرندگان بخوردند و دعا کنند و خداوند هم باران بفرستد.

در برخی مناطق دیگر مردم ده در خانه یکی از ریش سفیدان جمع می شوند و اعلام می کنند: فردا شب بیایند و غذای نذری(دلده) بپزند. فردا شب همه جمع می شوند، دلده را در دیگ بزرگی که معروف به دیگ خویشی است، می پزند. بعد بین اهالی و فقیران قریه قسمت می کنند. پس از خوردن دلده ی نذری، قرآن روی سر می گذارند و با خضوع و خشوع بی مانند دعا می کنند که

باران ببارد. آنگاه یکی از ریش سفیدان جلو آمده می گوید: اگر تا فلان روز باران آمد که هیچ و گر نه دوباره دلده ی نذری می پزیم تا خداوند رحمش بیاید و از گناه ما بگذرد و باران عطا کند. اگر روز مقرر باران آمد که هیچ و گر نه دوباره سراغ همان غذای نذری می روند، باز رو به قبله دعا می کنند، سوره ای از قرآن تلاوت می کنند و نماز طلب باران می خوانند تا خداوند آرزویشان را برآورده سازد و باران بباراند.

برخی از مردم هزاره در کنار مسجد محل دیگ غذای نذری را بار می کنند و عده ای از اهالی پای آن می نشینند، تا نیمه های شب که دلده پخته شود، دعا می خوانند، سپس به عنوان تبرک از آن می خورند و اگر خوشمزه بود آن را به فال نیک می گیرند و یقین دارند که به مرادشان که همان آمدن باران است، می رسند.

در برخی مناطق دیگر هزارستان بچه های کوچک زنگ یا زنگوله به گردن گوسفندان آویزان می کنند و باور دارند که صدای زنگوله خواب آسمان را می شکند و او را از خواب بلند سال بیدار می کند. آسمان و ابرهایش با دیدن گوسپند تشنه بر می خیزد و شروع به باریدن باران می کند.

در برخی دیگر هزارستان کودکان دو سنگ به دست می گیرند و به هم می زنند و می گویند:

آسمو بیدار شو!

آسمو بیدار شو!

گورگور دراغ کو!

قارکو!

آذو بده!

مو دق شودیم،

بارو بده!

بارو بده!

آلفا توشنه شده،

مالا گوشنه شده،

ده قولا آو نیه،

ده چیم مو خاو نیه،

آسمو بیدار شو!

آسمو بیدار شو!.

در دیگر منطق هزارستان کودکان یکی را که چهره ی خندان دارد و بیشتر وقت ها می خندد، پیرک درست می کنند. بر وی جل یا نمد می پوشانند، ریش و سبیل انبوهی هم برایش تهیه می بینند و کفشی کهنه در پایش می کنند و کلاه بوقی سرش می گذارند. بعد بر چوب سوار می شوند و زنگی یا زنگوله ای را به صدا در می آورند و به این ترتیب پیرک را لب چشمه می برند. وقتی پیرک لب چشمه رسید، زنگ ها را به صدا در می آورند و تا می توانند روی پیرک آب می ریزانند و شادی می کنند و می خندند و می خندانند. این کودکان باور دارند که آسمان قهر کرده با دیدن آن ها خوشحال می شود، اخمش را می شکند و می خندد. وقتی آسمان بخندد، اشک هایش در می آید و اشک هایش تبدیل به باران می شوند.

در دیگر مناطق هزارستان بچه ها یکی را رییس می گیرد، زنگی بر گردن او می آویزند، از پشم گوسپند ریش و از موی دم گاو بروت یا سبیل برای او درست می کنند. رییس می رود، پشت تپه و عصا به دست برون می آید. کودکان سوار بر اسپ های چوبی

راه بر او می بندند و پس از قلقلك دادن، او را فراری می دهند. با فرار او صدای زنگ یا زنگوله ای که در گردن یا دست او است، به صدا در می آید، آن وقت این شعر را می خوانند:

کاکا از کجایی؟

از کجا میایی؟

اولو لو اولو لو

کاکا ریشتو چیکه سفیده؟

کاکا سر تو چیکه سفیده؟

چند دینه بچه دیری؟

چند دینه دختر دیری؟

دخترای تو آو برده؟

بچکچای تو آو برده؟

اولو لو اولو لو

مرد رییس ریش سپید می گوید:

مه از شار خدایوم

از آسمونایوم

آسمو قار کده

بارو ره زار(زهر) کده

دعا کید بارو بیه

باروی سیل آسو بیه

بعد کودکان مقدار آب که زیر لباس خود پنهان کرده اند، روی سر رییس ریش سپید می ریزند و بلند بلند می خندند. اینان باور دارند که آسمان کودکان را دوست دارد و با خنده های آنان شاد می شود. وقتی دل آسمان باز شد، باران می فرستد و همه را شاد می کند.

در برخی مناطق هزارستان کودکان دختر زیبایی را عروس می کنند. چادر گلگلی روی سر او می اندازند. دست و پایش را با گل حنا می بندند، از گل یا علف سبز، گل گردن و طوق برایش درست می کنند. بعد پسری را داماد می کنند. پسر را لباس نو می پوشانند. برایش از پشم گوسپند ریش و از دم گاو و ریش بز بروت درست می کنند. بعد عده ای از دختران عروس را در کمال حجب و حیا در حالی که خسری(خجالت همرا صورت گرفتن) کرده باشد، پیش داماد می آورند. داماد هم روی تخته سنگ یا تنه ی درخت و یا هرجای بلند می نشیند و قیافه می گیرد. وقتی دختران دست عروس را به دست داماد دادند، خنده و شادی می کنند و روی آن دو آب می پاشند. عروس و داماد فرار می کنند و می خندند. با خنده ی عروس و داماد کودکان آن دو را تعقیب می کنند و بلند بلند می خندند. اینان به این باورند که در آسمان قمر با عقرب قهر کرده و یا زن آسمان مرده است. وقتی آنان عروسی بگیرند، آسمان هم شاد می شود و زن دیگر می گیرد. قمر با عقرب دوست می شود و به زمین هدیه می دهند که همان باران باشد.

در برخی دیگر از مناطق هزارستان مردم به بهانه ای سید قریه را لب رودخانه یا ناوور می آورند و او را ناگهان و بی خبر داخل آب می اندازند. آنان باور دارند که انداختن اولاد پیامبر در آب باعث می شود، آسمان بفهمد که زمین لب خشك مانده و باید باران بفرستد.

در برخی روستاهای هزارستان مردم به مسجد می روند و دعا می کنند تا خداوند باران رحمتش را بر آن ها ارزانی دارد. در پایان مراسم دعای جمعی، سید یا روحانی محل یکی از گوش های جلد قرآن را تر می کند به این نیت که باران بیاید. پس از آن غذای نذری شیر برنج درست می کنند و بین مردم و فقیران قسمت می نمایند تا خداوند بزرگ دعای آنان را قبول نموده باران رحمتش را بر مردم تشنه بباراند.

در برخی نقاط هزارستان مردم دعا نوشته و به شاخه های درختان می بندند، سه روز متوالی روزه می گیرند و در آخرین روز به صحرایی می روند و از خدا دسته جمعی طلب باران می کنند.

مراسم آفتاب خواهی

اگر بارندگی زیاد شود یا برف و بوران بیش از حد گردد و یا اگر باران ببارد و مانع فعالیت کشاورزی شود، برای اینکه باران بند بیاید، کودکان تکه های از پارچه های رنگارنگ را بر چوبی می بندند و به سمت ابرهای باران آور و یا برف زا می گیرند تا دم و پس دم ابر سوخته و باران قطع شود. در این هنگام مردان و زنان با خواندن دعا و نذرهای مختلف از خداوند طلب آفتاب و در آمدن خورشید را می کنند. اذان دادن برای بند آمدن برف در زمستان های طولانی و پر برف، باران های سیل آسا و هنگام سرازیر شدن سیل کلان هم روایت شده است.

(نیمه شب دو شنبه، آذرماه- قوس: ۱۳۹۰ استادسرای موسسه تحصیلات عالی ابن سینا- کابل

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹